

در اخیل نصرانی را درین قرینه داشته اند در آن عظیم گمان
را این عزت نباده اند و مناط حکم ایمان بخدا و از آفرین
و انقیاد و مجامیری که بر این نبوت باشد و عمل بشرایع
و اجتناب از منیات آن بی صورتی هیچ فواید آنها پس بود
که که بودی بنیاد یا عبری الله بهیشتی خواهد بود و شفاعت
او را خلاص خواهد شد و غیر خدا را در ذوق نخواهد ماند اگر چه
مناط حکم تحقق نه شود و ایمان بخدا بوجهی آید باشد که هیچ
و از ایمان با عزت و بر سالت پیغمبری نبوت با این
ادراک نکرده باشد و این غلط است و جل من چون توان
عظیم نیست بر کتب بقه و مبین مواضع اشکال آن این
را در وجه آن کتب فرمود علی مرتضی کسب سنیة و احکام
خطیبی که تا در آن ایام و در آن جمله آن که در بر پستی احکام
معالج آن عصر مابین نموده اند در شرح بر روشی عادت قوم

نموده اند و با کید آفتابان و اداست عمل و اعتقاد بر آن و هم
حقیقت در آن امر فرموده اند و مراد آن است که در آن عصر در آن
زمان حقیقت در آن اعمال محسوس است و اداست ظاهری و ادا
است نه اداست حقیقی یعنی تا آنکه نبی دیگر نیاید و پرده نغفا
از روی نبوت وی انداخته نه شود و این آن را بر
استحاله نسخ پیرویت حمل کرده اند و وصیت آفتابان ملت
نه الحقیقت همیشه وصیت آفتابان و اعمال صالح است نصوب
آن ملت لذا آنها معتبر نیست ایشان خصوصیت را معنی داشته
گمان کردند که یعقوب علیه السلام اولاد خود را به پیرویت وصیت
کرده است و از آن جمله آن است که عداشی نقاد بر پستی انبیا و
تابعان ایشان را به لقب معرب و مجرب تشریف داده است
مگر آن ملت را به صفت منوصبت خوانده است و درین باب به
شایع در هر قوم حکم واقع شد اگر لفظ انبیا کجایی هم بماند نوشته باشد